

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمس الدین امانتی

۲۸ سپتمبر ۲۰۱۶

برگزاری کلاس درس در طویل، همزمان با افتتاح ۲۰۰ مدرسه برکت!؟

پروژه لاینحل چگونگی تحصیل دانش‌آموزان در روستا‌های مناطق محروم، از همان اوایل بر سر کار آمدن رژیم اسلامی، تا کنون مورد مناقشه والدین دانش‌آموزان فقیر و ستمدیده از یک سو، سیاستمداران و مجریان سیاست‌های ارتجاعی - مذهبی رژیم سرمایه‌داری اسلامی حاکم بر ایران، از سوی دیگری بوده و خواهد ماند. متأسفانه نه این که در این زمینه تغییر مثبتی ایجاد نشده، بلکه وضع تحصیلی دانش‌آموزان در مناطق محروم از آنچه که بود بد و بدتر هم شده است، تا جایی که همزمان با به صدا در آوردن زنگ مدارس در روز شنبه ۳ مهر ماه [میزان] سال جاری تحصیلی، توسط «روحانی» در دبیرستان نمونه دولتی دخترانه «نرجس»، و گزارش جنجال برانگیز روزنامه کیهان بر سرافتتاح: «۲۰۰ مدرسه جدید بنیاد برکت وابسته به ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) با ۱۳۰۰ کلاس درس به عنوان هدیه مقام معظم رهبری به دانش‌آموزان مناطق محروم»، همزمان در «دبستان میهن سید خدر» در استان زرخیز خوزستان بدون نواختن زنگ مدرسه و به دور از هیاهوی مأمورین رژیم در آموزش و پرورش، در میان غم و تحقیر فراوان، دانش‌آموزان دختر و پسر تنها کلاس این مدرسه در این روستای محروم در «طویل ای»، آغاز به کار کرد.

جنجال سیاسی مأمورین رژیم در بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش در رابطه با بازگشایی مدارس، همراه با تعریف و تمجید از خود و «آمدگی» کامل در کلیه زمینه‌ها، به منظور فریب افکار عمومی به اوج خواهد رسید. تا جایی که معاون آموزش متوسطه و رئیس ستاد مأمور پروژه مهر در سال تحصیلی ۹۶-۹۵، با اشاره به این که: «کار پروژه مهر کار بسیار گسترده ای است»، به خبرنگار پانا: گفت «ما ۱۰۵ هزار مدرسه در سراسر کشور داریم که این مدارس باید از ابعاد مختلف برای آغاز سال تحصیلی آماده شوند. این آمدگی از جهت آمدگی فزینی، بهداشتی، ورزشی، کتاب‌های درسی، معلمان است که خدا را شکر کار انجام شده و نگرانی در این ابعاد وجود ندارد!»

آیین شکرگزاری «علی زرافشان» رئیس ستاد پروژه مهر، از منظر نامبرده واقعی است. اساساً او و هم‌پالکی‌هایش هیچگاه نگران وضعیت دانش‌آموزان و معلمان زحمتکش و محروم از امکانات مورد نظر او نبوده و نخواهند بود.

در خلال این هیاهوی تبلیغاتی رژیم اسلامی، گزارشی واقعی اما دردناک و تأسف برانگیز نیز منتشر شد که زندگی بخشی از کودکان محروم و ستمدیده همراه با والدینشان در مناطق روستایی را نشان می‌دهد. علی‌رغم این که نوشتن و

بحث بر سر سرنوشت این تعداد از دانش آموزان و معلم فداکار آنها که در طویله ای به «تحصیل» اشتغال دارند، سخت و آزار دهنده است. اما اطلاع رسانی و افشاگری در این زمینه خاص، وظیفه انسانی همگی ما است.

این گزارش توسط خبرگزاری مهر، سایت نزدیک به سپاه پاسداران که به عنوان منتقد دولت ظاهر می شود، رسانه ای شد. منبع مورد اشاره این سایت سخنان «خادمی» نماینده مردم «ایذه» و «باغملک» در مجلس اسلامی است که خلاف گفته های آقای «زرافشان» معاون وزیر آموزش و پرورش رژیم اسلامی، جای هیچ گونه «شکرگزاری از خداوند» را برای دانش آموزان این مدرسه، والدین آنها، معلم زحمتکش و اهالی این روستای فراموش شده، باقی نگذاشته است.

شرح این سفر از زبان «خادمی» جالب، شنیدنی و در عین حال دردناک است. او به خبرنگار مهر گفت «چند روز قبل برای بازدید به دو روستای شهرستان «ایذه» رفتم، این روستا ها جاده ندارند و باید با ماشین کمک دار آن هم اول سنگ ها را با دست از جاده برداشته و بعد هم با گذشت حدود چهار ساعت، فاصله ۲۰ کیلومتری را پیمود و به این روستا رسیدیم. در روستای «سید خدر»، دو فضا در کنار هم بودند که هر کدام از آنها ۱۲ متر بود، یکی برای نگهداری محل خوراک حیوانات (کاهدان) و دیگری محل نگهداری حیوانات (طویله) بود. در محل نگهداری حیوانات (طویله) که بیشتر از ۱۲ مترمربع هم نبود، بخشی معادل یک و نیم متر آن را برای محل خواب معلم تعیین کرده بودند، پتو و وسایل شخصی معلم در آن مدرسه (طویله) بود و صبح هم بعد از بیداری، کلاس درس را می بایستی در همین «طویله» برگزار می کرد. این در حالی است که نه تنها در این مدرسه (طویله) بلکه در تمام این روستا حتی یک توالت هم یافت نمی شود.»

این گونه اظهارات صریح و بی پروا، سخنان افرادی از «اپوزیسیون»، «معاند» و «برانداز» رژیم اسلامی نیست، بلکه مربوط به یکی از «نمایندگان مجلس اسلامی» حکومتی است که مقبولیتش برای نماینده شدن در مجلس اسلامی، علاوه بر عبور از صافی شورای نگهبان، از هفت خان رستم نیز گذر کرده است. اما عمق این فاجعه آنچنان هولناک و شرم آور است که نامبرده نمی تواند از آن گذر کند. آنچه در مدرسه ای از توابع خرمشهر این استان «زرخیز» می گذرد، جای هیچ گونه شک و تردیدی برای خوانندگان این گزارش باقی نخواهد گذاشت که رژیم سرمایه داری اسلامی حاکم بر ایران، در قرن ۲۱ و در کشوری که سالانه ده ها میلیارد دلار را صرف هزینه جنگ ضدانسانی در کشورهای «عراق، سوریه، یمن، افغانستان، لبنان و فلسطین» می کند، یک تراژیدی است که دانش آموزان دختر و پسر در روستای محرومی، مجبور به تحصیل در طویله شوند و معلم فداکار آنها نیز در گوشه ای از این کلاس (طویله) شب و روز را سپری کند تا به دانش آموزان این روستا خواندن و نوشتن بیاموزد؟!!

از سوی دیگر برخی مدارس روستائی در مناطق محروم قدمت بسیار بالائی دارند و هر لحظه امکان فرو ریختن ساختمان مدرسه وجود دارد. به گزارش مشرق، «فانی» وزیر آموزش و پرورش رژیم اسلامی: گفت «اکنون حدود یک سوم فضاهای آموزشی کشور استاندارد نیست، این بدان معنا است که یک زلزله حدود ۵ ریشتری می تواند این مدارس را تخریب کند.» در همین رابطه «راشکی» مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس سیستان و بلوچستان، به خبرگزاری تسنیم گفت «از ۲۴۴۶۹ هزار کلاس درس در این استان ۶۲۰۰ کلاس درس آن تخریبی است و علاوه بر ۵۷۶ کلاس درس خشت و گلی با کمبود چهار هزار کلاس درس مواجه هستیم.»

این در حالی است که «علیرضا نخعی» مدیرکل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، به خبرنگار ایسنا گفت: «با توجه به نسبت دانش آموز به معلم برای آن که به نرم متوسط کشوری برسیم، در سال جاری تحصیلی ۱۲ هزار معلم در سیستان و بلوچستان کمبود داریم.»

در چنین شرایطی اگر یک میلیونوم از اختلاس ۸۰۰۰ میلیارد تومانی در صندوق ذخیره فرهنگیان، فیش های حقوقی چپاولگران مافیای سپاه پاسداران و هزینه سرسام آور ساخت و ساز در حوزه راکتی (راکت قدیر، راکت سوخت جامد،

راکت سجیل، و راکت خرمشهر و) را به استان سیستان و بلوچستان و مدرسه (طویل) مورد نظر آقای «خادمی» نماینده مردم «ایذه و باغملک» اختصاص دهند، نه دانش آموزی در طویل درس خواهد خواند، نه به دلیل نبود امکانات تحصیلی در مناطق محروم دانش آموزان از تحصیل و مدرسه باز خواهند ماند و نه معلم آنها شبانه روز در طویل تدریس و «استرحت» خواهد کرد.

نه تنها دستیابی به مدرسه استاندارد و تحصیل رایگان در ایران تحت سلطه رژیم اسلامی، بلکه دستیابی به سایر امکانات آموزشی، بهداشتی، ورزشی، آزمایشگاهی و ایجاد مدارس عاری از آموزش بر مبنای دین و تفکیک بر مبنای جنسیت، در شرایطی متحقق خواهد شد که دانش آموزان، دانشجویان و معلمان آنها در تشکل های مستقل خود و بدون وابستگی به رژیم اسلامی، در عرصه های گوناگون، در ارتباط نزدیک و سازمان یافته با مبارزات روزمره طبقه کارگر آگاه، متحد، متشکل و در تقابل با سیاست های ارتجاعی - مذهبی رژیم اسلامی، دست یافتنی است.

پیروزی در این مرحله از مبارزه و راه غلبه بر پراکندگی موجود و تقابل جدی تا هموار کردن مسیر پیروزی نهائی بر رژیم اسلامی، در سازمانیابی و متشکل شدن است.

سه شنبه ۶ مهر [میزان] ۱۳۹۵